

عنوان: میراث شهید مطهری

نشریه: جمهوری اسلامی، ۸۵/۲/۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مطهری، چرا مطهری شد

این سنوالی است که اگر به درستی پاسخ خود را بیابد، پاسخ چرایی بسیاری از معضلات فکری امروز جامعه ما نیز روشن خواهد شد.

امروز ۱۲ اردیبهشت، که سالروز شهادت آیت الله مرتضی مطهری است، تکریم و تجلیل فراوانی از او بعمل می‌آید. حق هم همین است که هر سال در چنین ایامی با تجلیل از چنین شخصیتی اولاً از او قدردانی گردد و ثانیاً افکار و اندیشه هایش به مردم شناسانده شود تا نسل حاضر و نسل های آینده مرزهای اعتقادی صحیح را بشناسند و به راهی بروند که سعادت دنیا و آخرتشان را تأمین می کند.

با اینحال، توجه به این نکته نیز ضروری است که امثال مطهری را فقط نباید از طریق تکریم و تجلیل به شیوه های معمول سالگردها معرفی کرد. علاوه بر اینها باید افکار مطهری را به میدان عمل کشاند و آنرا در رگهای جامعه جاری ساخت. در غیر اینصورت، تجلیل ها و تکریم ها و معرفی ها فقط در حد قرص های مسکن اثر خواهند داشت و عقبه و امتدادی برای آنها متصور نیست. وضعیت بدتر مربوط به زمانی است که علاوه بر بی اعتنائی به این وظیفه عملی، حتی در جهت خلاف آن نیز عمل شود.

مطهری، علاوه بر مقام والایی که به دلیل رسیدن به فیض شهادت دارد و قبل از آنکه به این مقام برسد، جایگاه رفیعی به دلیل برخورداری از علم و عمل داشت. این جایگاه رفیع را مطهری به این دلیل توانست کسب کند که علم خود را با سه ویژگی همراه کرده بود.

زمان شناسی

کاربردی کردن علم

و تصلب در اعتقادات

بسیار دیده ایم و می بینیم کسانی را که علم دارند ولی زمان شناس نیستند. عالمان زمان شناسی را نیز دیده ایم که اهل کاربردی کردن علم خود متناسب با زمانی که در آن زندگی می کنند نیستند و یا نمیتوانند چنین کنند. عالمان زمان شناسی نیز وجود داشته و دارند که از صلابت عقیده محرومند. کسی که از این هر سه ویژگی برخوردار باشد، به قله رفیع بهره وری از علم خود دست می یابد و خدمات بزرگی به جامعه ارائه مینماید.

مطهری از این هر سه ویژگی برخوردار بود. زمان شناس بود و به همین دلیل نیازهای فکری جامعه ای را که در آن زندگی می کرد تشخیص میداد و درصدد پاسخ دادن به سئوالها و روشن ساختن ابهامات برمیآمد. شناخت مطهری از زمان خود بقدری عمیق بود که محصول کارهای او حتی امروز که ۲۷ سال از شهادتش میگذرد نیز کاربرد دارد. پرداختن به مقولاتی از قبیل وحدت امت اسلامی، نگاه کلان و جامع به مسائل و

مشکلات مسلمانان در سطح جهان مانند مساله فلسطين و هشدار دادن نسبت به خطر سطحي نگري و کم عمق کردن معارف , نمونه هائي از موضوعاتي هستند که مطهري به آنها اهتمام ورزید و با قلم و زبان به تشریح آنها پرداخت , و اينها موضوعاتي هستند که امروز نه تنها جامعه ما بلکه کل جهان اسلام بشدت درگير آنهاست و نیازمند عمل به آنچه مطهري در اين زمينه ها گفت و نوشت مي باشد.

درست مطرح کردن مسائل , هنري بود که مطهري داشت و راز جاودانگي آنچه از او باقي مانده است نیز در همین است . اين , کاربردي کردن علم با شیوه صحيح است . کسانی که از اين هنر برخوردار نیستند , نه خودشان و نه افکارشان امتداد زماني پيدا نمی کنند.

اصرار منطقي بر اصول و اعتقادات برخاسته از متن دين , عامل ديگري است که مطهري و آثار او را جاودانه کرده است . مطهري اهل بازي کردن با اصول نبود. او براي رسيدن به قدرت يا ساير اهداف خود هرگز از اصول و اعتقادات استفاده ابزاري نکرد. مطهري حتي براي پالایش دين از خرافات و رسوباتي که به آن افزوده اند , در نهايت صلابت با متحجران , منافقان , فضل فروشان , التقاطيون و زهدفروشان جنگید و البته جان خود را نیز بر سر همین مجاهدت علمي و اعتقادي گذاشت . شهادت علامه مطهري را نبايد مقوله اي مجرد دانست , اين شهادت در واقع حلقه نهائي جهاد علمي اين عالم رباني بود که مجاهدات چندین دهه او در عرصه هاي علمي و فكري و اعتقادي را به کمال رساند! اينگونه بود که مطهري , مطهري شد.

امروز , ميراث شهيد مطهري که در يك کلام عمق بخشیدن به دين است , بشدت در معرض خطر قرار دارد. سطحي نگري , زهدفروشي , التقاط جديد , ابزاري کردن اعتقادات و ارزش ها , تسامح و تساهل , اباحيگري و با حربه مذهب به جنگ مذهب رفتن , خطرهاي بزرگي هستند که دين را و انقلاب و نظام جمهوري اسلامي را و جامعه اسلامي و انقلابي ما را بشدت در معرض تهديد قرار داده اند. اين , فقط يك تهديد براي اين جامعه نيست , بلکه با توجه به اینکه ايران اسلامي اکنون پایگاه جهاني اسلام است و چشم و دل ملت ها بسوي آنست , اين تهديدها در واقع براي کل جهان اسلام و براي اصل اسلام , تهديد محسوب ميشوند. براي مقابله با اين تهديدها بايد ميراث شهيد مطهري را زنده نگهداريم و آنرا در جان جامعه مان جاري نماييم . آيا اراده اي براي انجام چنین کار سترگي داريم